



۲۰۱۷/۱۲/۰۳

مترجم: عبدالحکیم سامع

## «مرده ها در سه قشر»

«سنی علیه شیعه، پشتون بر ضد تاجیک»

«در کابل مجاهدین علیه همدیکر جنگ بی رحمانه بر اه انداختند.»

یادداشت مترجم: این مطلب چند سال قبل، نشر شده است. گزارش، در شماره ۳۴ سال ۱۹۹۲م، مجله «شپیگل»، از وقایع روز افغانستان، حکایت می کند. اینک بار دیگر به "آریانا افغانستان آنلاین" جهت نشر دوباره، تقدیم است. درین وقایع عاری از احتمال نخواهد بود، که «نژاد پرستان» مخفی، همانند «افراطیون» مذهبی و غیر مذهبی از قماش های «چپ» و «راست» درین گروپ ها، هم جای پای یافته باشند، تا در آتش «جنگ» بطور متداوم، «تیل» سوخت بریزند. بناءً ترجمه متن اصلی، مانند نمونه های قبلی در ذیل تقدیم است:

« وقتی فیر ها خفیف می گردند، انسانهای ضعیف و لا قوت، از خانه های مرمی خورده سر بیرون می آورند. می



Fundamentalist Hekmatjar: Raketen auf die Hauptstadt

خواهند از کدام جای مواد خوراکی تهیه کنند. از خندق های بویناک آب می گیرند. مریض ها و زخمی ها را بیک شفاخانه مزدوم خارج از ظرفیت، حمل می کنند. همه چیز باید سرعت صورت پذیرد، زیرا هر لحظه ممکن ژاله

مرمی هاوان آغازیابد. یک خانم به راپورتر، به آواز بلند صدا می کند: «به جهانیان بگوئید، که اینجا چه واقع می گردد. خانه ما ویران شده است. همه آنچه را که داشتیم از ما گرفتند»

(در پایان عکس: «حکمتیار بنیادگرای: راکت ها بر

پایتخت.»)

پایتخت رنج و عذاب کشیده افغانستان، کابل، در روز های هفته گذشته، که وحشتناک تر از همه وقایع بوده است، که تا بحال جنگ داخلی ببار آورده است. از کوه ها مجاهدین گلبدین بنیادگرای افراطی صد ها راکت را بر شهر پایتخت بی دفاع فیر می کند. مرمی های فیر شده به شفاخانه صلیب سرخ بین المللی اصابت نمود. بیش از ۱۰۰۰ انسان درین حوادث جان داده اند. در یک مرده خانه، کارمندان مجبور بوده اند، مرده ها را در سه قشر سر هم بار کنند. ده ها هزار از شهر سوزان پایتخت بسمت پاکستان فرار نموده اند. سازمان ملل متحد کارمندان خود را از کابل بیرون کشیده است. حکمتیار کابل را دوامدار زیر آتش می گیرد. زیرا رقبای او چون احمد شاه مسعود و جنرال عبدالرشید دوستم در آنجا، حکمروائی دارند.

مسعود وزیر دفاع حکومت مؤقت است. دوستم قوی ترین قوماندان قوای ضربتی صحنه جنگ است. حکمتیار احساس داشته است که در سهم در دولت، او را فریب داده اند. او کافی نمی داند، که حزب اسلامی او در کابینه، صدر اعظم را تعیین می تواند. به نسبت اینکه در افغانستان قدرت از میله تفنگ بیرون می آید، می خواهد با مجاهدین خود به کابل داخل شود.

اما درین هدف او را قوای خطرناک دوستم مانع می شود. در هفته قبل، طیارات بر مواضع مقدماتی حکمتیار در



Hekmatjar-Gegner General Dostam: Auf Moskaus Seite gegen die Gotteskrieger gekämpft

DER SPIEGEL 34/1992 141

سرحدات شهر کابل بمب انداختند، بیشتر ملکی ها نسبت به جنگی ها کشته شدند. در عین حال گروپ های گوناگون در ساحات و نواحی متعدد شهر به تبادل خونین، آتش علیه همدیگر پرداختند: بنیادگرایان علیه معتدلین، سنی ها علیه شیعه ها، پشتون علیه تاجیک.

بنام خدا، مشترکاً اضافه از ۱۲ سال علیه بی خدایان شوروی و رژیم تحت حمایت مسکو در کابل جنگیدند. لیکن چهار ماه بعد از سقوط رژیم، برگشت یافته کمونیستی نجیب الله و دخول سرور آمیز جنگی های خدا، در پایتخت کابل، این مجاهدین پیروزمند، جنگ های شدیدی را بر سر تقسیم طعمه شکار براه انداخته اند. (پایان عکس: «مخالف حکمتار – جنرال دوستم: در جانب مسکو علیه جنگی های خدا می جنگید.»)

تضاد های عنعنوی بین گروپ های «ایتنی»، توقف نا پذیر تشدید می بیند. افغانستان مشابه با پارچه های قالین به ساحات خود مختار، تحت تسلط خانواده ها، طوائف و رهبران «گوریلانی»، از هم می پاشد. گروپ قومی پشتون، که ۴۰ فیصد جامعه را می سازد، ۲۵۰ سال دراز در افغانستان، مردم دولتی بوده است، مواضع حاکم خود را از دست می دهد. حال تاجیک و ازبک پایتخت و شمال کشور را کنترل می نمایند. تقسیم سطحی «ایتنی» بوسیله مذهب، و تضاد های قومی، بر بغرنجیت می افزاید. علاوه بر آن مداخلات از خارج هم بر آن بار می گردند.

عربستان سعودی و پاکستان به مجاهدین سنی کمک می رسانند. تهران از گروپ های شیعه حمایت می کند - گاه گاه با علنیت تحریک آمیز، که فقط در یک کشور با این بی نظمی و هرج و مرج ممکن است: چنانچه معاون وزیر خارجه ایران، علی اکبر بشارتی، در یک سفر به کابل از قسمت شهر در افشار دیدن نموده، در آنجا جنگی های حزب وحدت شیعه را معاینه نموده است. همزمان جنگی های خدا، طرفدار ایران علیه گروپ وابسته به «اتحاد اسلامی»، به تبادل فیر پرداخته اند، که توسط عربستان سعودی نگهداشته می شوند.

با سپاس از کمک های وسیع اسلحه ایران، اقلیت شیعه (حدود ۲۰ فیصد مردم) فغانستان، نفوذ روز افزون کسب می نماید. همانند «بیروت» انسانها، بحیث گروگان غارت می گردند. بهمین سبب، تاجران شیعه هزاره، جرأت رفتن به مارکیت مرکزی را در خود نمی بینند، در عین زمان پشتون و تاجک هم از رفتن به محلات هزاره خودداری می نمایند. همسایه ها علیه همدیگر، خانه های آنها را آتش می زنند. دخول قوای شوروی در سال ۱۹۷۹م و حمایت مقاومت توسط امریکا، افغانستان را به خرابه مبدل ساخت - حال خطر یک مسابقه دیگر خارجی در جنگ متصور است، تا آنرا جاری حفظ کنند. در فرصتی که ایران و عربستان سعودی بازی آنها را در افغانستان به پیش می برند، امریکائی ها و روسها، کنار رفته اند. از زمان ختم جنگ سرد به اینطرف، به این کشور در دامنه هندوکش، فقط کم دلچسپی نشان می دهند. این حالت روس ها را از ضرب راکت محافظت نمی کند. در هفته گذشته دو عضو سفارت کشته و دو نفر دیگر آن زخمی شده اند، زمانی که مرمی توپ بر نمایندگی های «اتحادیه کشور های مستقل» (GUS) جمهوری های سابق شوروی اصابت نمود. مستشار سفارت «سمیرکابولیف» می گوید: «بر این عقیده هستم، که هدف را دقیق تعیین می کنند» مسکو مشغول انتقال ۱۰۰ نفر از اتباع خود را آمادگی می گیرد.

افغانها ۹ سال اشغال «شوروی» منفور را فراموش نمی کنند. گروپ های متنوع تقاضای «ترمیم» را از آنچه اردوی شوروی به ویرانه مبدل ساخته است، طلب می کنند. بر رخ جنرال دوستم، همیشه می کشند، که زمانی با ملیشه های ازبک بی رحم خود، در جناح مسکو علیه جنگی های خدا جنگیده است. دوستم دیر تر جبهه را تغییر داده است. او با قوایش با احمد شاه مسعود، قهرمان در جنگ ضد روس ها، پیوست. با این کارش در سقوط نجیب الله عمل کرد.

حال مسعود به حمایت جنرال محتاج است. لیکن حکمتیار تهدید می کند: اما تا زمانی از فیر بر کابل دست بر نمی دارد، «دوستم کمونیست، پایتخت را ترک نموده باشد.» («دیر شپیگل»، شماره ۳۴، صفحه ۱۴۰ - ۱۴۱)

یاددات مترجم: از تغییر مکرر جبهه «دوستم» همه می دانند. جالب اینست، زمانی که گروپ گلبدین حکمتیار قریب تمام ذخایر انرژی را از مواضع اش در کوه های واقع در جنوب شهر کابل، به آتش زد، ویرانی های عظیمی را در شهر ببار آورد و همچنان گروپهای «حزب وحدت» و افراد «دوستم»، هم در داخل شهر کابل، همه آنچه که بنام مواد خوراکی و اموال دارای قیمت در مؤسسات دولتی و شخصی وجود داشت، تاراج نمودند، در خاتمه پس از اول جنوری ۱۹۹۴م، با همین «دوستم کمونیست» و «حزب وحدت شیعه»، «حکمتیار» متحد شد. گلبدین خود از گناه های غیبت و خشم علیه دوستم «معذرت» خواست، بعد چون «فرماندهی» مشترک داشتند، گلبدین حکمتیار دید، که این «کمونیست» منفور، برایش در جنگ علیه حریف «اخوانی» اش، برهان الدین ربانی، در مطابقت با اهداف سیاسی اش، بیشتر «مؤثر» است.

پایان